

بررسی نقش مسجد در پیشگیری از جرائم در شهر اردبیل^۱

دکتر محسن اعلائی^۲

حسین بشیری گیوی^۳

چکیده:

مساجد به عنوان جایگاه و محل غلیان ارزش‌ها و هنجارهای دینی قلمداد می‌شود. در مساجد افراد به طور داوطلبانه بر اساس مفاهیم و ارزش‌های دینی به عبادت و هرگونه فعالیت دیگر مبادرت می‌کنند. بنابراین هر قدر فرد گرایش بیشتری به حضور یا ارتباط با این اماکن دینی داشته باشد می‌توان انتظار داشت که احتمال پرهیز از ارتکاب جرایم و امتناع از ورود به حوزه‌های رفتاری ضد اجتماعی افزایش یابد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش اسنادی و پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل شهروندان اردبیل می‌باشد که برای به دست آوردن حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. بر این اساس و با توجه به جامعه آماری، حجم نمونه شامل ۲۵۰ نفر و واحد تحلیل در این تحقیق فرد می‌باشد. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌ای با حجم نامتناسب استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که بین حضور در مسجد و آسیب‌های اجتماعی با ضریب

۱. تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۹ تاریخ تایید: ۹۴/۵/۶

moalaei@gmail.com

۲. هیئت علمی دانشگاه پیام نور اردبیل

guivi.hb@gmail.com

۳. مدرس پیام نور، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی علوم تحقیقات تهران

همبستگی $0/422$ - است که نشان می‌دهد رابطه بین دو متغیر بسیار قوی و معکوس است و فرضیه تایید می‌شود. بین حضور در مسجد و ارتکاب به جرم با ضریب همبستگی $0/627$ - است که نشان می‌دهد رابطه بین دو متغیر بسیار قوی و معکوس است و فرضیه تایید می‌شود. بین حضور در مسجد و جامعه‌پذیری با ضریب همبستگی $0/345$ است نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر بسیار قوی و مستقیم است و فرضیه تایید می‌شود. بین حضور افراد سالم و مجرم در مسجد تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین t بدست آمده برابر $t = -4/018$ با درجه آزادی $df = 201$ یعنی میانگین افراد مسجدرو با میانگین افرادی که مسجد نمی‌روند تفاوت معناداری دارد. بین جنسیت افراد و حضور در مسجد تفاوت معنی‌داری بین دو گروه است و همچنین t بدست آمده برابر $t = -3/060$ با درجه آزادی $df = 201$ یعنی میانگین مردان با میانگین زنان در حضور در مسجد تفاوت معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: کارکردهای مسجد، آسیب‌های اجتماعی، جامعه‌پذیری

بیان مسئله:

دین همراه دیرینه و همیشگی انسان در برهه‌های مختلف تاریخ است که طی گذر زمان با وجود آنکه نقش، کارکرد و اهمیت آن در حال تغییر و تحول بوده، نگرش‌ها و رفتارهای افراد جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به‌طوری که کسانی که حامل ارزش‌ها و هنجارهای دینی هستند با صفت «دیندار» شناخته می‌شوند. بنابراین دینداری یا تدین، حالت انسان است که دین متعلق آن به شمار می‌رود. در واقع اطلاق لفظ دینداری زمانی صورت می‌گیرد که مردم یا گروهی از افراد، تمام یا بخشی از تعالیم و دستورات دینی (اعم از عقاید، اخلاقیات و احکام) را پذیرفته باشند. بنابراین در مقام تعریف می‌توان اظهار نمود که «دینداری یا تدین عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات، اعمال فردی و جمعی که حول خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او دور می‌زند، سامان می‌پذیرد.» (طالبان، ۱۳۸۱)

بدین ترتیب دینداری پدیده‌ای چند بعدی است. هر یک از محققین و نظریه پردازان دین، ابعاد مختلفی برای آن در نظر گرفته‌اند. گلاک و استارک (۱۹۶۵) با بررسی ابعاد مختلفی که پژوهشگران برای دینداری قائل شده‌اند معتقدند «تمام ادیان جهانی به رغم آن‌که در جزئیات بسیار متفاوت‌اند، دارای حوزه‌های کلی هستند که در آن حوزه‌ها جلوه‌گر می‌شوند. این حوزه‌ها که می‌توان آنها را به مثابه ابعاد اصلی دینداری در نظر گرفت عبارت‌اند از: بعد اعتقادی یا ایدئولوژیک، بعد رفتاری یا مناسکی، فکری یا دانشی احساسی یا تجربی و پیامدی.» (سراج‌زاده، ۱۳۸۱)

عوامل گوناگونی در شکل‌گیری نگرش‌های دینی در ابعاد مختلف آن، در فرد و رفتارهای اجتماعی او و میزان جامعه‌پذیری‌اش دخیل هستند. به طوری که می‌توان گفت با وجود اینکه دین ریشه در اعماق وجود انسان دارد، با این حال تمامی تصویری که از آن در ذهن و اندیشه فرد شکل می‌گیرد ناشی از فطرت انسانی نیست و نقش تعاملات فرد با دیگران و تاثیرپذیری از عوامل گوناگون اجتماعی به ویژه عوامل جامعه‌پذیری و گروه‌های مرجع را در تشکیل این شناخت و تصور از دین از یک سو و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی از سوی دیگر نباید نادیده گرفت. دورکیم از این عوامل به عنوان وجدان جمعی، کولی از آنها به مثابه «خودآینه‌سان» و مید تحت عنوان من مفعولی یاد می‌کند.

به این ترتیب عوامل مختلفی در شکل‌گیری نگرش اعم از اجتماعی، دینی و نظایر آن در افراد دخیل هستند که در این پژوهش به بررسی نقش مسجد در دست‌اندرکار بودن عمده‌ترین آنها یعنی مولفه‌هایی چون جامعه‌پذیری، ترس از جرائم، سبک زندگی و نظایر آنها پرداخته خواهد شد.

مفهوم جامعه‌پذیری بدین معناست که انسان اجتماعی شده بیش از آنکه محصول طبیعت باشد توسط جامعه ساخته شده است. فرد انسانی با کنش و هم‌کنشی‌هایی که با اطرافیان خود و جامعه بزرگتر دارد برخی از شیوه‌های اندیشیدن و عمل کردن را از آنها می‌آموزد. براین اساس محتوای آموزه‌هایی که فرد دریافت می‌کند و

جریاناتی که از طریق آنها اندیشه و عملش شکل می‌گیرد هر اندازه آمیخته با ارزش‌های دینی باشد امکان دیندار شدن وی بیشتر خواهد بود. این جریانات جامعه‌پذیری دینی در جامعه ما خانواده، رسانه‌ها، گروه همسالان، مدرسه، دانشگاه، گروه‌های مذهبی، هیات‌های دینی، مساجد است که هر کدام به نوبه خود سهم بسزایی در اجتماعی شدن دینی افراد ایفا می‌کنند. به این شکل نقش مسجد در اینجا به عنوان حلقه واسط و میانجی مطرح نظر می‌باشد، بدین معنی که در فرآیند تاثیرپذیری افراد از این عوامل، مسجد نقش تسهیل کننده، تعدیل کننده و یا حتی توجیه کننده را ایفا می‌نماید.

مساجد به عنوان جایگاه و محل غلیان ارزش‌ها و هنجارهای دینی قلمداد می‌شود. در مساجد افراد به طور داوطلبانه بر اساس مفاهیم و ارزش‌های دینی به عبادت و هرگونه فعالیت دیگر مبادرت می‌کنند. بنابراین هر قدر فرد گرایش بیشتری به حضور یا ارتباط با این اماکن دینی داشته باشد می‌توان انتظار داشت که احتمال پرهیز او از ارتکاب جرایم و امتناع از ورود به حوزه‌های رفتاری ضد اجتماعی افزایش یابد.

حال در شرایطی که نهادها و گروه‌های متعدد از قدیم و جدید به کار تولید و توزیع فرهنگ مشغول هستند و همه به یک معنا دست‌اندرکار تربیت نسل‌های مستعد از حیث برخورداری از غنای فرهنگی و اجتماعی مورد قبول برای جامعه هستند، و در شرایطی که مسئولان دینی، قضایی، فرهنگی و سیاسی-اجتماعی نگران نحوه جامعه‌پذیری آحاد و گروه‌های مختلف اجتماعی به‌ویژه جوانان هستند؛ مسجد چه نقشی در پیشگیری از جرائم ایفا می‌کند؟ چه عواملی را برای دور ماندن افراد از آسیب‌های اجتماعی و ارتکاب جرایم تقویت و یا بر عکس تضعیف می‌نماید؟ دینداری به چه سمت و سویی سوق پیدا می‌کند؟

روش‌شناسی

این پژوهش با بهره‌گیری از روش اسنادی و پیمایشی انجام شده است.



جامعه آماری تحقیق حاضر شامل شهرنشینان اردبیل است، حجم نمونه ۲۵۰ نفر را شامل می‌شود و واحد تحلیل در این تحقیق فرد می‌باشد. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌ای با حجم نامتناسب استفاده شده است.

روایی و پایایی تحقیق

ضریب آلفای گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها

گویه‌ها	کارکردهای مسجد	آسیب‌های اجتماعی	جامعه‌پذیری
آلفای کرونباخ	۸۴٪	۷۸٪	۸۷٪

برای پایایی^{۴۱} متغیرها از روش پایداری درونی (ضریب آلفا) استفاده شد، یعنی با بررسی ضریب آلفای گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها و محاسبه‌ی ضریب آلفای نسبتاً بالای آن‌ها انسجام درونی بالای گویه‌ها را تأیید می‌کند.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با نقش مسجد در پیشگیری از جرائم هرچند پژوهش‌هایی صورت گرفته اما این بررسی‌ها از وجهه علمی چندانی برخوردار نبوده و اکثراً از ماهیت یک تحقیق توصیفی فراتر نرفته‌اند. ذیلاً به چند مورد از پژوهش‌های رصد شده اشاره می‌شود. - «نقش مسجد در جذب جوانان و استحکام پیوند خانه و مدرسه» عنوان پژوهشی است که محمدرضا نگارستانی در سال ۱۳۸۸ انجام داده و نشان داده است که بین حضور در مسجد و ایجاد نگرش مثبت نسبت به فرزندان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- «مساجد و جوانان، فرصت‌ها و تهدیدها» عنوان تحقیقی است که سیمین لاجینی در سال ۱۳۸۹ انجام داده است. وی در پژوهش خود نشان داده است که بین افراد مسجدرو و غیر مسجدرو از نظر قرار گرفتن در معرض تهاجم فرهنگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

- «بررسی آسیب‌شناختی عوامل مؤثر بر حضور و مشارکت مردم در مساجد به عنوان مکانیزمی جهت پیشگیری از جرم و کنترل آسیب‌های اجتماعی» عنوان پژوهشی است که دکتر جلیل سحابی و همکارش در سطح شهر سنندج در سال ۱۳۹۱ انجام داده‌اند، در قسمتی از یافته‌های این تحقیق به دست آمده است که بین میزان مشارکت و حضور مردم در نماز جمعه و کاهش آسیب‌های اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد، به این ترتیب که با افزایش میزان حضور در نماز جمعه از میزان آسیب‌های اجتماعی کاسته شده است.

مبانی نظری

دین در واقع مهم‌ترین عامل تاثیرگذار محسوب می‌گردد. دین بهترین و عالی‌ترین روشی است که می‌تواند اجتماع بشر را منظم ساخته و بیش از هر روش دیگر مردم را به رعایت قوانین اجتماعی وادار نماید. (طباطبایی، ۱۳۵۶) نیاز به دین و ضرورت دینداری، برای اصلاح روابط فردی و اجتماعی و ایجاد و ادامه یک زندگی سالم انسانی است. دین در متن زندگی بشر قرار دارد و دارای نقش حیاتی در ابعاد فردی و اجتماعی جامعه انسانی است. (ابراهیم‌زاده آملی و همکاران، ۱۳۸۱) ایجاد امنیت در جوامع همه در گرو دین است، دین قوی‌ترین عامل در جهت حفظ اجتماع صالح بشری است. (شایسته خوی، ۱۳۸۴) یک جامعه مذهبی می‌تواند نیرو و قدرتی مهم در پیشگیری از موقعیت‌هایی را داشته باشد و منبع موثری در سازگاری مردم شناخته شود. (صادق جان‌بهان و عراقی، ۱۳۷۸) انسان موجودی اجتماعی است، اصولی برای زندگی بهتر ابداع کرده و بر اجتماع عرضه می‌دارد و با عمل به آنها در جهت سلامت جسمی و روانی خود حرکت می‌کند. (امیر حسینی، ۱۳۸۲)

دین و مذهب یکی از اساسی‌ترین و مهمترین نهادهایی است که جامعه‌ی بشری به خود دیده است، به‌طوری که هیچ‌گاه بشر خارج از این پدیده زیست نکرده و دامن از آن برنکشیده است.

به نظر یونگ ریشه کلمه دین در زبان لاتین معلوم می‌شود. معنی آن عبارتست از «تفکر از روی وجدان و یا کمال توجه» درباره‌ی آن چیزی است که ردولف اتو آنرا شیء قدسی و نورانی دانسته. کیفیت قدسی و نورانی - علتش هر چه باشد - حالتی است که از خاصیت چیزی به چشم دیده می‌شود یا اثر یک وجود حاضر ولی نادیدنی. بزعم یونگ «دین حالتی خاص از روح انسان است که بر طبق معنی اصلی کلمه دین در زبان لاتین می‌توان آن را به این عبارت تعریف کرد: دین عبارتست از حالت مراقبت و تذکر و توجه دقیق به بعضی از عوامل موثر که بشر عنوان «قدرت قاهره» را به آن اطلاق می‌کند و آنها را به صورت ارواح، شیاطین، خدایان، قوانین، صور مثالی، کمال مطلوب و غیره تجسم می‌کند.» (یونگ، ۱۹۳۸- روحانی، ۱۳۸۲)

او تصریح می‌کند که منظور از استعمال کلمه دین، اعتقاد به مسلک معین را در نظر ندارد. اما هر مسلکی در اصل از یک طرف به احساس مستقیم کیفیت قدسی و نورانی متکی است و از طرف دیگر به ایمان یعنی وفاداری به اعتماد و تاثیر عوامل قدسی و نورانی و تغییراتی که در وجدان انسان از آن تاثیر حاصل می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که اصطلاح دین معرف حالت خاص وجدانی است که بر اثر درک کیفیت قدسی و نور آن تغییر یافته باشد. به این ترتیب به نظر یونگ تجربه دینی خصلتا نوع ویژه‌ای از تجربه عاطفی است و به معنی تسلیم در برابر یک قدرت برتر است. خواه این قدرت خدا نامیده شود، خواه ناخودآگاه، بدون شک این کیفیت مربوط به نوع خاص از تجربه دینی است. (همان، ۱۹۳۸)

همه انسان‌ها - حتی در دوران کودکی و تا آخرین لحظات زندگی خود- در پی شناخت خدا، دنیا، قیامت و مسائل دینی دیگر هستند. برخی سوال‌ها، همیشه فکر و ذهن انسان‌ها را به خود مشغول کرده است، اینکه از کجا آمده است؟ به کجا می‌رود؟ خدا کیست؟ دنیا چگونه به وجود آمده است.

ویل دورانت می‌نویسد دین به اندازه‌ای غنی و فراگیر و پیچیده است که جنبه‌های متفاوت و مختلف آن، برای دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلف به گونه‌ای

جلوه می‌کند که آنچه مهم است این است که هیچ دوره‌ای در تاریخ بشری خالی از مذهب و اعتقادات دینی نبوده است.

هیچ جامعه شناخته شده‌ای در طول تاریخ بدون دین نبوده است. (دورکیم، ۱۹۱۲- بافر، ۱۳۸۳) در طول ادوار مختلف تاریخ و در جوامع متفاوت، ادیان به اشکال مختلف وجود داشته‌اند. در این میان، دین در جامعه ایران نیز از جایگاهی خاص برخوردار بوده و هست. در طول تاریخ، ایران همیشه جامعه‌ای دینی بوده و دین در آن همه‌گیر بوده است، به گونه‌ای که اغلب اوقات دین فرآیندی بوده که سایر اجزاء جامعه را تحت شعاع خود قرار داده است. (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۱)

امروزه تقریباً در همه جوامع به درجات متفاوت، شاهد رفتارهای نابهنجار، به خصوص از سوی برخی جوانان و نوجوانان هستیم. مطالعات نسبتاً فراوانی که با عناوین گوناگون «بزهکاری»، «کجروی»، «نابهنجاری»، «جرم» و امثال آن انجام شده، خود دلیلی بر این ادعا است. این مسئله در کشورهای در حال توسعه نظیر کشور ما بسیار قابل توجه است. زیرا در این دسته از کشورها به دلیل مبهم بودن بسیاری از ارزش‌ها و هنجارها، نوعی سردرگمی، تردید و بی‌هویتی (اعم از فردی و جمعی) ملاحظه می‌شود. از این رو وجود انواع نابهنجاری‌های اجتماعی یا به عبارت دیگر، سرپیچی از قواعد مشترکی که رفتارهای مناسب را تعریف می‌کنند، در محیط‌ها، گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی دور از انتظار نیست.

قبل از پرداختن به نظریه‌های مربوط به «دین و کجروی»، نظر سه نظریه‌پرداز کلاسیک جامعه‌شناسی، یعنی مارکس، دورکیم و وبر در خصوص اهمیت دین بر جرم مطرح می‌شود. مارکس معتقد است که دین امیدهای کاذب برای آینده به مردم می‌دهد و آن‌ها را با تمرکز دادن روی نقش‌های اجتماعی‌شان از جرم باز می‌دارد. بدین سان دین، با رد ستم نظام‌های اقتصادی طبقاتی توجه مردم را از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها در این جهان منحرف می‌کند. به رغم این نظر، مارکس دین را رد نمی‌کند. «او می‌نویسد دین قلب یک دنیای بی‌قلب است، پناهگاهی در برابر

خشونت واقعیت‌های روزانه. از نظر مارکس، دین به صورت سنتی آن، ناپدید خواهد شد و باید بشود؛ اما ارزش‌های مثبتی که در دین تجسم یافته، می‌تواند به صورت آرمان‌های راهنمای بهبود سرنوشت بشریت در این جهان درآید.» (گیدنز، ۱۳۶۳)

دورکیم بخش قابل ملاحظه‌ای از مطالعات خود را به بررسی دین - به ویژه در جوامع کوچک سنتی - اختصاص داده است. وی معتقد است که ادیان فقط یک موضوع اعتقادی نیستند، بلکه شمائل اعمال تشریفاتی و شعایر منظمی هستند که برای انسجام جوامع مختلف - اعم از سنتی و امروزی - ضروری است. دورکیم این چنین استدلال می‌کند که «در مراسم تشریفاتی جمعی، حس همبستگی گروهی تأیید و تقویت می‌شود. تشریفات، افراد را از امور مربوط به زندگی اجتماعی نامقدس دور کرده و به قلمرویی متعالی وارد می‌کند که در آن اعضای گروه خود را در ارتباط با نیروهای عالی‌تر احساس می‌کنند. این نیروهای عالی‌تر، که به توت‌ها یا تاثیرات الهی خدایان نسبت داده می‌شوند، در حقیقت بیان نفوذ و تاثیر جمع بر فرد است. (همان، ۱۳۶۳) به نظر او وقتی اجتماع سنتی مورد هجوم نیروهای جامعه‌ی جدید قرار می‌گیرد، رسوم و اعتقادات مذهبی مشترک باعث انسجام اجتماعی می‌شود، رو به تحلیل می‌رود؛ در نتیجه، جامعه فاقد هنجارهای محدودکننده‌ی رفتار می‌شود و حالت بی‌هنجاری پدید می‌آید. به دنبال این وضعیت، خودکشی و سایر انواع انحراف افزایش می‌یابد. برای رهایی از این وضع، جامعه نیاز به قواعد و مقررات جدیدی دارد که به نظر دورکیم علوم جدید می‌توانند نظم اخلاقی جدید را پدید آورند. (سخاوت، ۱۳۸۱)

و بر نیز مسیحیت را دین رستگاری می‌داند. او می‌گوید این دین بر این عقیده است که «اگر انسان‌ها اعتقادات دینی را بپذیرند و از اصول اخلاقی آن پیروی کنند، می‌توانند «رستگار» شوند. مفاهیم گناه و نجات یافتن از گناهکاری به مرحمت خداوند در این جا دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. این مفاهیم نوعی تنش و پویایی عاطفی ایجاد می‌کند... مسیحیت متضمن مبارزه‌ای دائمی علیه گناه است...» (گیدنز، ابادری، ۱۳۶۳)

گرچه این سه متفکر با نفوذ نتوانستند موضوع را به اندازه کافی بسط دهند،

اما آرای آنها مبین اندیشه‌های اساسی در خصوص اثر عوامل مذهبی بر جرم است. جامعه‌شناسان برای فهم عمل انحراف‌ها به عوامل اجتماعی و فرهنگی شکل دهنده رفتار انسان توجه دارند و در تبیین‌های جامعه‌شناختی خود بر ساخت اجتماعی الگوهای کنش متقابل فرد و دیگر اعضاء جامعه تکیه کرده، بر موارد زیر اشاره می‌کنند:

(۱) جامعه‌پذیری ناقص

بر اساس این نظر اگر فردی به درستی اجتماعی نشده باشد، هنجارهای فرهنگی را در شخصیت خود عجین نمی‌سازد و به همین سبب نمی‌تواند میان رفتار شایسته و ناشایسته تمایز بگذارد.

(۲) انحراف آموختنی است

جامعه‌شناسان معتقدند که بسیاری از رفتارهای انحرافی، اکتسابی و قابل انتقال از شخص به شخص دیگری است.

(۳) نارسائی‌های فرهنگی و ساختار اجتماعی

هر جامعه نه تنها هدف‌های پذیرفته شده فرهنگی دارد، بلکه وسایل پذیرفته شده را نیز برای نیل به این هدف‌ها در اختیار دارد. هرگاه به عللی این وسایل در اختیار فرد گذاشته نشود احتمال می‌رود، منحرف گردد.

نظریه بی‌هنجاری

بی‌هنجاری حاصل وضعیت آشفته‌ای است که هنجارها از بین رفته و یا در تضاد قرار گرفته‌اند. جوامعی که در آنها بی‌هنجاری به شکل وسیع وجود داشته باشد، از آنجایی که اعضای آن جامعه برای رسیدن به مقاصد مشترک، خطوط راهنما در اختیار ندارند و احساس جدایی و بی‌جهتی می‌کنند، در خط تلاش قرار می‌گیرند. هنگامی که فرد دچار حالت «آنومیک» می‌شود، وابستگی و احساس تعلق خود را به گروه از دست می‌دهد، هنجارهای گروهی را به‌عنوان سرمشتق نمی‌پذیرد و از آنها



می‌گریزد و برای مدتی در بی‌هنجاری یا دقیق‌تر در کم‌هنجاری و یا کژهنجاری به سر می‌برد. زیرا هنجار مطلوبی نمی‌یابد تا جایگزین هنجارهای پیشین سازد. البته تمام هنجارها را از دست نمی‌دهد ولی خودش را کنار می‌کشد و کمتر خود را با دیگران هم‌نوا و هم‌سان می‌یابد. (شیخاوندی، ۱۳۶۹)

جامعه‌شناسی به نام «م. مک آیور» آنومی را بدین‌گونه تعریف کرده است: «آنومی عبارت از حالت ذهنی کسی است که به اخلاقیات حاکم و خاستگاه آن پشت‌پازده، دیگر اعتقادی به جمع جامعه خویش ندارد و خود را مجبور به تبعیت و پیروی از آنها نمی‌بیند. انسان آنومیک، از نظر ذهنی کنترل می‌شود و به تمایلات خود می‌پردازد و مسئولیت هیچ چیز و هیچ کس را نمی‌پذیرد. (شیخاوندی، ۱۳۶۹)

نظریه تضاد

نظریه تضاد نیز مانند نظریه انحراف بر عواقب شخصی و اجتماعی و تمرکز ثروت و قدرت در دست عده‌ای معدود تکیه می‌کند. نقطه عطف عمده این نظریه آن است که گروه‌های قدرتمند جامعه علایق مشترک اقتصادی و سیاسی دارند و اکثر برگزیدگان قدرت، از قدرت سیاسی خود برای تدوین و اجرای معیارهای قانونی حامی منابع خود استفاده یا در واقع سوء استفاده می‌کنند. طرفداران این نظریه تا حدی تبیین‌های متفاوتی را درباره چرایی بروز موقعیت مورد بحث در جوامع جدید عنوان می‌کنند. (شیخاوندی، ۱۳۶۹)

نظریه پیوند افتراقی

نظریه «اروین ساترلند» تحت عنوان پیوند براین نکته دلالت دارد که فرایند یادگیری رفتار مجرمانه به‌وسیله دوستان فرد مجرم تعیین می‌شود. چهار گام زیر فرایند نظریه پیوند افتراق را به اختصار نشان می‌دهد:

۱. رفتار تبهکارانه:

مانند دیگر رفتارهای معمولی در اثر کنش متقابل با دیگران، به ویژه گروه دوستان آموخته می‌شود.

۲. فراگیری رفتار مجرمانه:

که مستلزم یادگیری تکنیک‌های ارتکاب جرم و انگیزه‌ها و گرایش‌های مناسب برای بزهکاری است.

۳. انسان بدان سبب مجرم می‌شود که فراوانی امکانات قانون شکنی بر محدودیت‌های نامساعد آن بچربد. از این رو اگر ارزش‌های یک نفر و ارزش‌های افرادی که بر او تأثیر شدید دارند، از وی حمایت کنند، احتمالاً آن شخص مجرم خواهد شد.

۴. پیوندهای تبهکارانه یک شخص می‌تواند از جنبه‌های خاص همچون فراوانی، طول مدت و شدت این تماس‌ها متفاوت باشد و در تعیین تأثیر این پیوندها بر شخص به ما کمک کند.

نظریه پیوند افتراقی را می‌توان به انواع متحده جرم و بزهکاری نسبت داد. مثلاً برخی از شواهد تبیین آن است که عده‌ای از جوانان شهری ممکن است برای نشان دادن صفات کله شقی و جرأت حادثه‌جویی که برای آنان بسیار ارزشمند است به مواد مخدر روی بیاورند. ظاهراً صرف هروئین یک جوان را در چشم همگانش کسی می‌سازد. (فلدمن، ۱۹۶۸) از این رو شخص با موقعیت مساعدی برای استفاده بیشتر از مواد مخدر روبرو می‌شود.

نظریه برچسب (انگ زنی)

این تئوری را گاهی نگرش (رویگرد) و اکنش جامعه‌ای به انحرافات نیز می‌نامند. تئوری انگ زنی با تأکید روی مسأله کلیدی مربوط به نحوه‌ی تکوین حرف انحرافی درباره ریشه‌ها و خاستگاه انحراف اولیه و تفاوت نرخ انحراف برحسب گروه‌ها مسکوت است. با این وجود این نظریه، نوعی کنش متقابل نمادین است و چون در محدوده سنت نظری قرار می‌گیرد، عمدتاً از طرفی چشم انداز آن با کنش متقابل بین منحرفان و سازش‌کاران سرو کار پیدا می‌کند و از سوی دیگر با مفاهیمی که اعضای سازمان یا گروه از اعمال و یا

عکس‌العمل‌های دیگران می‌گیرند سروکار دارد. این نظریه تأکید می‌کند که نفس رفتار، منحرفان را از غیرمنحرفان متمایز می‌سازد، بلکه اعمال اعضای سازش‌کار جامعه است که این تمایز را فراهم می‌سازد. این اعضا برخی از رفتارهای انحرافی را تفسیر کرده، برچسب انحرافی را به افراد نسبت می‌دهد.

برچسب خوردگان، جنایت‌کاران، بزه‌کاران، معتادان به مواد مخدر، الکلیست‌ها، روسپیان و بیماران روانی را شامل می‌شود. (شیخاوندی، ۱۳۶۹)

نظریه ناهماهنگی

از دیدگاه نظریه ناهماهنگی، در سازمان اجتماعی وجود گسترده اعتیاد در برخی نقاط جامعه ناشی از مشخصات سازمان اجتماعی است. مصرف این مواد در برخی از بخش‌های جامعه تشویق می‌شود و امکان دسترسی به آن فراهم است.

طرفداران این نظریه در این حالت جامعه را ناهماهنگ می‌دانند زیرا بخشی از مردم قادر به درک و جذب هدف‌های جامعه نیستند و یا نمی‌توانند با وصول به هدف‌های مطلوب اجتماعی احساس رضایت و کفایت کنند در نتیجه به الکل و سایر مواد مخدر روی می‌آورند تا رضایتی که نتوانسته‌اند در رابطه به هدف‌های جامعه کسب کنند از طریق دیگر به دست آورند. طرفداران این نظریه از جهات دیگری نیز جامعه را ناهماهنگ می‌دانند. در این حالت هنجارهای غالب اجتماعی مربوط به منع مواد مخدر قادر به تنظیم و نظارت بر مصرف این مواد نیست و از قدرت و نفوذ هنجارهای اجتماعی که مانع مصرف مواد مخدر هستند، نظیر سایر هنجارها به هنگام تغییرات اجتماعی کاسته می‌شود. از سوی دیگر طرفداران نظریه ناهماهنگی معتقدند که اگر جامعه قادر به جلوگیری از مصرف این مواد با تهیه و توزیع آن نباشد، دچار ناهماهنگی می‌شود.

یافته‌های تحقیق

بین میزان حضور در مساجد و آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.

آزمون پیرسون

آسیب‌های اجتماعی	میزان حضور در مساجد	
-۰/۴۲۲**	۱	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰		Sig سطح معنی داری
۱۰۱	۱۰۰	جمع کل

با توجه به اینکه متغیر مستقل (آسیب‌های اجتماعی) و متغیر وابسته (میزان حضور در مساجد) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است سطح معنی داری برابر $Sig = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر یعنی $۰/۰۵$ کمتر است، نشان‌دهنده رابطه معنی داری بین آسیب‌های اجتماعی و میزان حضور در مسجد می‌باشد و با توجه به ضریب همبستگی $-۰/۴۲۲$ نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر قوی و معکوس است. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می‌شود. به عبارتی با افزایش میزان حضور در مسجد، میزان آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. بین میزان حضور در مساجد و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

آزمون پیرسون

ارتکاب جرم	میزان حضور در مساجد	
-۰/۶۷۲**	۱	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰		Sig سطح معنی داری
۱۰۱	۱۰۰	جمع کل

با توجه به اینکه متغیر مستقل (ارتکاب جرم) و متغیر وابسته (میزان حضور در مساجد) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است سطح معنی داری برابر $Sig = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر یعنی $۰/۰۵$ کمتر است نشان‌دهنده رابطه معنی داری بین ارتکاب جرم و میزان حضور در مسجد می‌باشد و با توجه به ضریب

همبستگی $0/672-$ نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر بسیار قوی و معکوس است. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می‌شود. به عبارتی با افزایش میزان حضور در مسجد، میزان ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. بین افراد مسجدرو و غیر مسجدرو از نظر مواجهه با آسیب‌های اجتماعی و جرائم تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

خطای معیار میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد افراد	رفتن به مسجد
۰/۴۶۸۸۴	۵/۰۰۵۸۶	۳۸/۴۱۲۳	۱۰۰	بله
۰/۴۹۶۸۰	۵/۶۴۲۵۸	۳۹/۷۹۰۷	۱۰۱	خیر

میانگین	t مستقل			آزمون لیون		
	Sig سطح معنی‌داری	df درجه آزادی	t	Sig سطح معنی‌داری	F	
-۰/۳۷۸۴۲	۰/۰۴۶	۲۰۱	-۲/۰۰۳	۰/۷۱۴	۰/۱۳۴	واریانس بین دو گروه
-۰/۳۷۸۴۲	۰/۰۴۵	۲۰۰/۹۹۵	-۲/۰۱۸			واریانس درون دو گروه

با توجه به آزمون لیون سطح معنی‌داری برابر $0/714 = \text{Sig}$ است. به عبارت دیگر واریانس بین دو گروه برابر است و با توجه به نتایج آزمون t مستقل در فاصله اطمینان 95% سطح معنی‌داری برابر $0/046 = \text{Sig}$ که نشان‌دهنده تفاوت معنی‌داری بین دو گروه است و همچنین t بدست آمده برابر $t = -2/003$ با درجه آزادی $df = 201$ یعنی میانگین افراد مسجدرو با میانگین افرادی که مسجد نمی‌روند تفاوت معناداری دارد بنابراین فرضیه H_0 رد می‌شود و فرضیه H_1 با توجه به اطلاعات موجود تایید می‌شود. بین شیوه‌های جامعه‌پذیری و استفاده از مساجد رابطه وجود دارد.

آزمون پیرسون

جامعه پذیری	میزان حضور در مساجد	
۰/۳۴۵**	۱	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰		Sig سطح معنی داری
۱۰۱	۱۰۰	جمع کل

با توجه به اینکه متغیر مستقل (جامعه پذیری) و متغیر وابسته (میزان حضور در مساجد) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است سطح معنی داری برابر $Sig = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر یعنی $۰/۰۵$ کمتر است نشان دهنده رابطه معنی داری بین جامعه پذیری و میزان حضور در مسجد می باشد و با توجه به ضریب همبستگی $۰/۳۴۵$ نشان می دهد که رابطه بین دو متغیر قوی و مستقیم است. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می شود. به عبارتی با افزایش میزان حضور در مسجد، میزان جامعه پذیری افزایش می یابد. بین افراد سالم و مجرم از نظر استفاده از مساجد تفاوت معنی داری وجود دارد.

افراد	تعداد افراد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین
سالم	۱۴۵	۴۷/۱۶۴۷	۵/۰۰۳۱۳	۰/۴۲۳۴۲
مجرم	۵۸	۱۸/۱۲۲۴	۳/۰۰۰۰۸	۰/۳۹۶۴۳

t مستقل				آزمون لیون		
میانگین	Sig سطح معنی داری	df درجه آزادی	t	Sig سطح معنی داری	F	
-۰/۳۷۸۴۲	۰/۰۰۰	۲۰۱	-۴/۰۰۴	۰/۰۰۸	۰/۱۳۴	واریانس بین دو گروه
-۰/۳۹۶۴۳	۰/۰۰۰	۲۰۰/۹۹۵	-۴/۰۱۸			واریانس درون دو گروه

با توجه به آزمون لیون سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۸$ است به عبارت دیگر واریانس درون دو گروه برابر است و با توجه به نتایج آزمون t مستقل در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ که نشان دهنده تفاوت معنی داری بین دو گروه است و همچنین t بدست آمده برابر $t = -۴/۰۱۸$ با درجه آزادی $df = ۲۰۱$ یعنی میانگین افراد مسجدرو با میانگین افرادی که مسجد نمی روند تفاوت معناداری دارد بنابراین فرضیه H_0 رد می شود و فرضیه H_1 با توجه به اطلاعات موجود تایید می شود.

بین جنسیت افراد و میزان حضور آنها در مسجد رابطه وجود دارد.

جنسیت	تعداد افراد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین
مرد	۱۲۰	۴۶/۴۹۸۸	۵/۳۴۵۶۲	۰/۴۳۴۶۵
زن	۸۲	۳۹/۵۶۶۷	۳/۴۵۲۳۱	۰/۳۹۶۷۸

میانگین	ت مستقل			آزمون لیون		واریانس بین دو گروه واریانس درون دو گروه
	Sig سطح معنی داری	df درجه آزادی	t	Sig سطح معنی داری	F	
-۰/۳۵۸۴۲	۰/۰۰۶	۲۰۱	-۳/۰۰۶	۰/۶۴۵	۰/۱۳۴	واریانس بین دو گروه
-۰/۳۵۸۴۲	۰/۰۰۵	۲۰۰/۹۹۵	-۳/۰۳۲	۰/۶۴۵	۰/۱۳۴	واریانس درون دو گروه

با توجه به آزمون لیون سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۶۴۵$ است به عبارت دیگر واریانس بین دو گروه برابر است و با توجه به نتایج آزمون t مستقل در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۶$ که نشان دهنده تفاوت معنی داری بین دو گروه است و همچنین t بدست آمده برابر $t = -۳/۰۶۰$ با درجه آزادی $df = ۲۰۱$ یعنی میانگین مردان با میانگین زنان تفاوت معناداری دارد بنابراین فرضیه H_0 رد می شود و فرضیه H_1 با توجه به اطلاعات موجود تایید می شود.

آزمون رگرسیون

مدل	R	ضریب تعیین رگرسیون	ضریب تعیین تعدیل شده رگرسیون	Error
۱	۰/۷۸۶	۰/۵۳۶	۰/۵۳۶	۴/۴۷۰

با توجه به اطلاعات جدول ضریب تعیین رگرسیون برابر $R^2 = ۰/۵۳۶$ می باشد یعنی می توان با میزان $۰/۵۳۶$ به پیش بینی و همچنین تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پرداخت.

ANOVA

مدل	Sum of Squares	df	Mean Square	F	.Sig
رگرسیون	۲۳۷۴/۲۹۲	۷	۳۳۹/۱۸۵	۱۶/۹۷۳	۰/۰۰۰
جمع	۶۹۱۰/۶۶۴	۲۳۴	۱۹/۹۸۴		

با توجه به جدول ANOVA میزان f برابر است با $f = ۱۶/۹۷۳$ و با توجه به سطح معنی داری $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ نشان دهنده معنی داری متغیرهاست.

.Sig	t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Model
		Beta	Std. Error	B	
۰/۰۰۰	۵/۱۴۱		۳/۹۰۲	۲۰/۰۶۲	Constant
۰/۰۰۰	۸/۵۲۱	۰/۵۰۱	۰/۰۴۰	۰/۳۴۱	جامعه پذیری
۰/۰۲۸	۲/۲۱۳	۰/۱۲۷	۰/۱۰۳	۰/۲۲۹	آسیب های اجتماعی

با توجه به اطلاعات جدول جامعه پذیری و همچنین آسیب های اجتماعی معنی دار می باشد.

نتیجه گیری:

مسجد یکی از ابزارهای مترقی دین مبین اسلام برای سیطره عقیدتی بر جهان است که در صورت بهره گیری صحیح و کامل از تمامی ظرفیت های آن، نقش بسیار

مهمی در اداره جامعه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی خواهد داشت. ظرفیت عظیم و فرصت بسیار مغتنمی که متأسفانه تاکنون معطل و کماستفاده مانده است.

تحقیق حاضر بر این پیش‌فرض مبتنی است که نقش مسجد در پیشگیری از جرم چگونه است. سیاست‌گذاری‌های نادرست و بعضاً متناقض، اقدامات سلیقه‌ای و راه‌کارهای سطحی و تک‌لایه‌ای، شواهدی از این ضعف‌هاست که نقش کارآمدی مسجد را کم‌رنگ کرده است.

در فرضیه اول با توجه به اینکه متغیر مستقل (ارتکاب جرم) و متغیر وابسته (میزان حضور در مساجد) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر یعنی $۰/۰۵$ کمتر است نشان‌دهنده رابطه معنی‌داری بین آسیب‌های اجتماعی و میزان حضور در مسجد می‌باشد و با توجه به ضریب همبستگی $-۰/۴۲۲$ - نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر بسیار قوی و معکوس است. به عبارتی با افزایش میزان حضور در مسجد، میزان ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. به هر حال با کارکردهای مختلف باید میزان حضور در مسجد شهروندان افزایش یابد. این نهاد با کارکردهای مختلف جلوی آسیب‌ها را می‌گیرد و در این فرضیه ثابت شد که با افزایش حضور در مسجد آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد.

در فرضیه دوم با توجه به اینکه متغیر مستقل (ارتکاب جرم) و متغیر وابسته (میزان حضور در مساجد) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است، سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر یعنی $۰/۰۵$ کمتر است نشان‌دهنده رابطه معنی‌داری بین ارتکاب جرم و میزان حضور در مسجد می‌باشد و با توجه به ضریب همبستگی $-۰/۶۷۲$ - نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر بسیار قوی و معکوس است. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 رد و فرضیه

H1 تایید می‌شود. به عبارتی با افزایش میزان حضور در مسجد، میزان ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. کارکردهای مسجد اعم از فرهنگی، عبادی، سیاسی و تشکیلاتی بر روی افراد تاثیر مستقیم می‌گذارد.

در فرضیه سوم با توجه به اینکه متغیر مستقل (جامعه‌پذیری) و متغیر وابسته (میزان حضور در مساجد) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر یعنی $۰/۰۵$ کمتر است نشان‌دهنده رابطه معنی‌داری بین جامعه‌پذیری و میزان حضور در مسجد می‌باشد و با توجه به ضریب همبستگی $۰/۳۴۵$ نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر قوی و مستقیم است. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول با افزایش میزان حضور در مسجد، میزان جامعه‌پذیری افزایش می‌یابد.

در فرضیه چهارم با توجه به آزمون لیون سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۸$ است به عبارت دیگر واریانس درون دو گروه برابر است و با توجه به نتایج آزمون t مستقل در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ که نشان‌دهنده تفاوت معنی‌داری بین دو گروه است و همچنین t بدست آمده برابر $t = -۴/۰۱۸$ با درجه آزادی $df = ۲۰۱$ یعنی میانگین افراد مسجدرو با میانگین افرادی که مسجد نمی‌روند تفاوت معناداری دارد.

در فرضیه پنجم با توجه به آزمون لیون سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۶۴۵$ است. به عبارت دیگر واریانس بین دو گروه برابر است و با توجه به نتایج آزمون t مستقل در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۶$ که نشان‌دهنده تفاوت معنی‌داری بین دو گروه است و همچنین t بدست آمده برابر $t = -۳/۰۶۰$ با درجه آزادی $df = ۲۰۱$ یعنی میانگین مردان با میانگین زنان تفاوت معناداری دارد.

برای پیش‌بینی تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته با توجه به اطلاعات جدول ضریب تعیین رگرسیون برابر $R^2 = ۰/۵۳۶$ می‌باشد یعنی می‌توان با میزان $۰/۵۳۶$ به

پیش‌بینی و همچنین تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پرداخت.

با توجه به جدول ANOVA میزان f برابر است با $f = ۱۶/۹۷۳$ و با توجه به سطح معنی‌داری $Sig = ۰/۰۰۰$ نشان دهنده معنی‌داری متغیرهاست.

در پی رفع مشکل مزبور و در واقع بازمهندسی سازوکار اداره مسجد، پژوهش حاضر از منطق «تحلیل سه‌لایه‌ای» استفاده کرده است. مطابق این منطق، حل مسائل را نه فقط در کنش اجزای سیستم، بلکه باید در ساختارها و انگاره‌های معرفتی کنشگران نیز جستجو کرد.

از آنجایی که مشاهده لایه لایه‌ای مسائل، با در نظر گرفتن این مطلب که این لایه‌ها در یک ارتباط علی و معلولی با یکدیگر قرار داشته و به عبارتی پشتیبانی‌کننده یکدیگر می‌باشند، نوعی ارتباط نظام‌مند را اقتضا می‌کند لذا از «نگرش سیستمی» نیز در این تحقیق استفاده شده است چراکه این نگرش، با بهره‌مندی از خاصیت کل‌نگری، محقق را از نگرستن سطحی و تک‌لایه‌ای به مسائل برحذر می‌دارد. مطابق این نگرش، مسجد یک سیستم اجتماعی باز است که دائماً در تبادل آشکار منابع با محیط پیرامون خود قرار دارد.

سیستم مسجد برای رسیدن به بهره‌وری حداکثری خود، نیازمند برخورداری از یک ساختار سیستمی مطلوب است؛ به عبارت دیگر اجزای مختلف آن باید در یک ارتباط نظام‌مند با یکدیگر قرار داشته به نحوی که کارکردهای آن را به طور کامل به اجرا درآورند.

با بهره‌گیری عقلانی از منابع نقلی - آیات قرآن کریم و روایات معصومین - کارکردهای چهارگانه مسجد از این قرار احصاء می‌گردد: ۱- عبادی، ۲- تعلیم و تربیت، ۳- رسانه‌ای، و ۴- اجتماعی اقتضایی. این چهار کارکرد، در واقع همان خرده‌سیستم‌های «کارکردی» مسجد را تشکیل می‌دهند که در حکم خرده‌سیستم‌های صفی مسجدند. بازآفرینی انگاره‌های معرفتی کاربران و کارگزاران مسجد نسبت به مسجد، که در واقع لایه زیرین از منطق سه‌لایه‌ای است، ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ حاکم بر

مسجد دارد. لذا برای این کار از الگویی استفاده شده است که این دو خاصیت را همزمان دارا باشد؛ یعنی بر تغییر باورها و مفروضات ذهنی افراد که همان سطح مبنایی فرهنگ‌اند، تأکید داشته باشد. این الگو «سازمان یادگیرنده» نام دارد.

البته استفاده از الگوی یادشده، یک دلیل محتوایی نیز دارد و آن اینکه مدل مزبور با هویت مسجد از دیدگاه منتخب این پژوهش سازگاری کامل دارد. از این دیدگاه، مسجد نهادی است که برای تعالی و بهبود مستمر شخصیت انسان بنیان نهاده شده است، و این همان چیزی است که در مدل پوزیتیویستی سازمان یادگیرنده مفروض است؛ چراکه این مدل، تعالی سازمان را از مجرای تعالی کارکنانش دنبال می‌کند.

مطابق این الگو، انگاره‌های معرفتی کاربران بالقوه و بالفعل مسجد باید بدین شکل صورت‌بندی مجدد گردد: «مسجد، ابزاری خدابنیان برای کمک به تعالی انسان در حیطه فردی و اجتماعی از مجرای کارکردهای چهارگانه آن است. این ابزار به همه انسان‌ها تعلق دارد مشروط بر اینکه به دنبال یافتن حقیقت و رسیدن به کمال انسانی خویش باشند. و از آنجایی که مقابل هر حق، تکلیفی است؛ مسجد نیز حقوقی بر مخاطبانش دارد. در عوض، مردم در مسجد حق دارند که در یک فرایند آزاد و طبیعی، بدون مداخله‌گرهای جبری و تحمیلی، به دنبال ارضای نیاز «خودشکوفایی» خود باشند و از همین مجرا و در یک چرخه تقویت‌شونده، نیازهای حقیقی و به‌حق جامعه خویش را نیز برآورده ساخته و آن را نیز به تعالی برسانند».

اینچنین باوری برای اینکه به یک کنش تبدیل شود، نیاز به پشتیبانی ساختاری دارد؛ زیرا ساختار و رفتار در یک ارتباط متقابل با یکدیگرند. به همین منظور برای مدیریت درون مسجدی، یک ساختار منعطف و تیم‌محور متشکل از مدیران کاملاً بومی و مردمی پیشنهاد گردید. همچنین به منظور ایجاد و به‌کارگیری خاصیت هم‌افزایی در مساجد، برای مدیریت میان‌مسجدی، توسعه سلسله مراتبی منطقی از مساجد در قالب خرده‌سیستم‌های همکاری‌کننده پیشنهاد شد. این امر تنها زمانی محقق می‌گردد که هیچ نهاد یا سازمان خارجی میدان‌دار مسجد نباشد.



منابع و مأخذ:

- ابراهیم‌زاده آملی و همکاران؛ (۱۳۸۱)، دین‌شناسی. به سفارش اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه قم. انتشارات کوثر غدیر.
- امیر حسینی؛ (۱۳۸۲)، خانواده خوشبخت، فرزند موفق. تهران نشر عارف کامل.
- بیات، بهرام؛ (۱۳۸۲)، تعارض ارزش‌های نوجوانان با ارزش‌های جامعه و والدین. از کتاب گسست.
- جهانبان، صادق؛ عراقی، لعی؛ جایگاه دین در سلامت روانی. تهران، نشر طریق کمال.
- حبیب‌زاده خطبه‌سرا، رامین؛ (۱۳۸۴)، بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- دورکیم، امیل؛ (۱۳۸۳)، صور ابتدایی حیات دینی. ترجمه: پرهام، باقر. تهران، نشر مرکز.
- رفیع پور، فرامرز؛ (۱۳۷۵)، تضاد و توسعه. شرکت سهامی انتشار.
- سخاوت، جعفر؛ (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران، دانشگاه پیام نور.
- سراج زاده، سید حسین؛ (۱۳۸۰)، تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش اجتماعی. نامه پژوهش، شماره ۲۰ و ۲۱.
- سلیمی، علی و داوری، محمد؛ (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی کجروی. قم: پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه.
- طالبان، محمدرضا؛ (۱۳۸۰)، تعهد مذهبی و تعلق سیاسی. نامه پژوهش، شماره ۲۰ و ۲۱.
- طباطبایی؛ (۱۳۵۶)، آموزش دین (عقاید، اخلاق، احکام). جمع‌آوری و تنظیم سید مهدی آیت‌اللهی، تهران، نشر جهان‌آرا.
- کاظمی، عباس؛ فرجی، مهدی؛ (۱۳۸۱)، بررسی رابطه‌ی استفاده از اینترنت و ماهواره با وضعیت دینداری دانش‌آموزان و دانشجویان. مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما، تهران.
- گنجی، محمد؛ (۱۳۸۲)، تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- گیدنز، آنتونی؛ (۱۹۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه صبوری، منوچهر، نشر نی.
- محسنی، منوچهر؛ (۱۳۷۵)، مقدمات جامعه‌شناسی. تهران، نشر نیل دوران.
- مهدیزاده، سیدمحمد؛ (۱۳۸۱)، رهیافت اعتقادی به فرهنگ و جامعه نو. نشریه رسانه، شماره ۱.
- یونگ گارل گوستا؛ (۱۹۳۸)، روانشناسی و دین. ترجمه فواد روحانی. تهران: شرمات انتشارات علمی فرهنگی چاپ سوم.

- Buncak, J. (2002) "Religiosity in Slovakia within the European context" Dialogue & Universalism, 8: 71-83.
- Hoover, M. (1988). Mass Media Religion: The social sources of the electronic church. New York:Sage Publications.
- Kukukan, (2000) Can Religiosity be measured? Dimension of religious commitment.
- Roof, (1992).American Voluntary Establishment. Theories of mass communication. New York:Longman.
- <http://amar.ostan-ar.ir/>